

خاوران نامه

نسخه خطی و مصور موزه هنرهای تزئینی

در آغاز تشکیل موزه هنرهای تزئینی، در میان آثار و اشیائی که از مرحوم عبدالله رحیمی برای موزه خریداری گردید، نسخه خطی و مصور کهنی (اواخر سده نهم هجری) از خاوران نامه بود، که اینک یکی از قطعات و آثار جالب و پر ارزش موزه مزبور به شمار می آید.

کتاب خاوران نامه یک مثنوی حماسی است که در آن افسانه‌ها و داستانهای خیالی از سفرها و جنگها و دلاوری‌های حضرت علی بن ابیطالب (ع) و یارانش مالک اشتر و ابوالمحسن در سرزمین خاوران، با شاه خاور به نام «قباد» و شاهان بت پرست دیگر به نام «طهماس» شاه و «صلصال» شاه و سپاه دیوان و اژدها به نظم کشیده شده است.

آقای دکتر ذبیح الله صفا در «کتاب حماسه سرایی در ایران» درباره این افسانه‌ها می نویسد: «در باب امام اول شیعیان، میان شیعه تدریجاً داستانهایی پدید آمده که بعضی از آنها مبنی بر حوادث تاریخی یعنی جنگهای او در حیات محمد بن عبدالله صلعم و هنگام خلافت و شجاعتهای وی است منتهی به تدریج عناصر داستانی بر آنها افزوده شده است. برخی دیگر از داستانها به کلی دور از حقیقت تاریخی و افسانه محض است که اندک اندک میان ملت ایران بر اثر اخلاص شدید این قوم نسبت به حضرت علی علیه السلام و درآمدن او در صف پهلوانان ملی، وجود یافت، مانند داستان پهلوانی‌های وی در سرزمین خاور که در خاوران نامه می بینیم». ولی گویا این افسانه‌ها ریشه در اساس کهن ایرانی داشته، سپس تغییراتی در آن داده، به حضرت علی (ع) منسوب داشته اند و سراینده مثنوی نیز مدعی است که اصل آن عربی بوده و وی آنرا به شعر فارسی در آورده است:

چو بر سال هشتصد بیفزود سی شد این نامه ی تازیان پارسی

باز در این مورد آقای دکتر صفا معتقدند که «خاصیت بیشتر کتب حماسی (ملی، تاریخی دینی) ایرانست که لامحاله مبتنی و مستند بر اصلی بوده و سازندگان آنها مستقیماً در جعل روایات و احادیث دخالتی نداشته اند».

خاوران نامه در حدود ۲۲۵۰۰ بیت به وزن و تقلید شاهانه فردوسی سروده شده و چنانکه ابن حسام ناظم آن اشاره کرده است به سال ۸۳۰ هجری قمری نظمش خاتمه یافته و بنا به نوشته محققان آخرین تقلید مهم و قابل ذکری است که از شاهنامه فردوسی بعمل آمده است.

مولانا محمد بن حسام الدین الخوسفی معروف به «ابن حسام» از مردم «خوسف» قهستان خراسان بوده و در همانجا تولد یافته است و خوسف دیهی است که تقریباً در کرانه کویر لوت در حدود مرز خراسان و کرمان واقع شده و اکنون جزو بیرجند و قاینات است.

آقای علی نقی منزوی در کتاب «فرهنگ‌نامه‌های عربی به فارسی» درباره‌ی خاندان ابن حسام می‌نویسد: «از سده هشتم و شاید هفتم تا روزگار صفویان، این خاندان در قهستان به شعر و ادب و در عین حال به واعظی و پیشوایی شهرت داشته‌اند و از منظومات ایشان که بیشتر به لهجه عامیانه می‌باشد تشیع و گاهی غلو نمودار است و گویا تحت تأثیر عقاید اسماعیلیان بوده‌اند». ابن حسام مردی زراعت پیشه و کشاورزی بوده و در خوسف با قناعت و گوشه‌گیری روزگار بسر برده و به شاعری می‌پرداخته است چنانکه خود در این باره سروده:

بیک قرص جو تا شب از بامگاه
قناعت نمایم چو خورشید و ماه
شکم چون بیک نان توان کرد سیر
مکش منت سفره‌ی اردشیر

دولت‌شاه سمرقندی در تذکره‌الشعراى خود (۸۹۲ هـ . ق.) درباره ابن حسام چنین نوشته است: «ملک الکلام مولانا محمد حسام الدین المشهور بابن حسام به غایت خوش‌گوست و با وجود شاعری، صاحب فضل بوده و قناعتی و انقطاعی از خلق داشته. از خوسف است من اعمال قهستان و از دهقنت نان حلال حاصل کردی و گاو بستى و صباح که به صحرا رفتی تا شام اشعار خود را بر دسته بیل نوشتی و بعضی او را ولی حق شمرده اند و در منقبت گویی در عصر خود نظیر نداشت و قصاید غراً دارد و این قصیده در نعت رسول رب العالمین صلعم او راست که بعضی از آن قلمی میشود:

ای رفته آستان تو رضوان باستین
جاروب به فرش مسند تو زلف حور عین

توفی ابن حسام فی شهر سنه خمس و سبعین و ثمانمائه (۸۷۵) من الهجرة النبویه».

منظومه‌ی حماسه این حسام بیشتر به نام «خاور نامه» معروف است ولی خود شاعر آن را «خاوران نامه» نامیده و گفته است:

مراين نامه را «خاوران نامه» نام نهادم که این شد تمام (۱)

آنچه پیداست نسخه‌های خطی خاوران نامه، چندان زیاد نیست یک نسخه مصور از آن که به تاریخ ۱۰۹۷ هـ. ق. کتابت شده

در موزه بریتانیا تحت شماره Add. ۱۹/۷۶۶ محفوظست که به خط نستعلیق درشت نوشته شده و دارای ۳۶۲ ورق مجدول و

۱۵۶ قطعه مینیاتور به شیوه هندیست. کاتب نام خود را «مولچند ملتانی» نوشته و نام کمال الدین خان نیز در آن دیده می‌شود

که گویا نام صاحب اصلی نسخه بوده است و از توافق تعداد مجالس نقاشی شده می‌توان احتمال داد که از روی نسخه موزه هنر های تزئینی نوشته و مصور شده است.

نسخه مصور دیگری نیز از خاوران نامه در کتابخانه کلکته در هند نگاهداری می‌شود که متأسفانه از خصوصیات نسخه آن اطلاع کافی در دست نداریم. اما کهن‌ترین نسخه از خاوران نامه که تاکنون شناخته شده، همین نسخه ی موزه ی هنرهای تزئینی تهرانست که احتمالاً به سال ۸۵۴ هـ. ق. یعنی در حیات شاعر نوشته شده و تقریباً شش سال پس از مرگ او مصور گشته است. نسخه ی فوق ، پیش از آنکه وارد موزه های هنرهای تزئینی شود، متأسفانه شیرازه اش از هم گسیخته و قطعاتی از نقاشیهای آن به تملک بعضی مجموعه داران خصوصی و کتابخانه های اروپا و امریکا در آمده است که از آنها در بحث راجع به مینیاتورها گفتگو خواهیم کرد.

نسخه مورد بحث ما که در وضع حاضر تحت شماره «۷۵۷۰» در موزه هنرهای تزئینی محفوظ است، شامل ۶۴۵ ورق کاغذ ختایی (به قطع ۳۸/۵×۲۷/۵ سانتی متر) است گویا در اصل ۶۸۵ ورق بوده که ورق اول آن تعمیر شده و صفحه اول دارای شمسه ی مدور و مذهبی است که در وسط آن در متن طلایی به قلم ثلث با سفیدآب عبارت «کتاب خاور نامه» نوشته شده و صفحه های دوم و سوم دارای سر لوح های مذهب و جدولهای زرین است و در دو صفحه دوم و سوم در هر صفحه به خط نستعلیق متوسط ۱۸ بیت کتابت شده و بین السطور طلا اندازی گردیده و مطلب چنین آغاز یافته است:

نخستین بدین نامه دلگشای سخن نقش بستم به نام خدای

صفحه های دیگر کتاب نیز کاملاً جدول کشی شده (۲۰/۵ × ۲۸/۵ سانتی متر) و هر صفحه به چهار ستون تقسیم گردیده و عنوانهای به آب زر نوشته شده است. در بعضی از صفحه ها که متأسفانه شیرازه شان از هم گسیخته است جابجا به مناسبت موضوع متن، نقاشیهای نسبتاً بزرگی انجام گرفته که گاهی نصف صفحه را پر ساخته است.

شاعر در آخر کتاب در زیر عنوان «گفتار درختم کتاب» سروده است:

به پایان رسانیدم این داستان به سر بردم این نامه باستان

گل تازه کشتم به باغ سخن معطر شد از وی دماغ سخن

اگر بگذری بر گلستان من گل و لاله بینی به بستان من

بهاری چو باغ ارم تازه روی چو فردوس فردوسی از رنگ و بوی

بهشتی بهشت از پی دوستان
بدین روضه خرم و دلگشای
کشیدم بسی نقش بیم و امید
به عنوان رسانیدم این نامه را
که نگذاشتم نامه را تا نبشت
بر نامه داران ز من یادگار
شد این نامه تازیان پارسی
نهادم که در خاوران شد تمام

.....

که زنده‌ست او را بدین نامه نام
به آرایش رستم افکند بُن
که اندیشه از درک آن باز ماند
می صافی من ز جام علی است

.....

ندیدم به جز رنج و خواری و جور
قناعت نمایم بکم توشه ای
قناعت نمایم چو خورشید و ماه
مکش منت سفره اردشیر
زبان را نگه دار از این جست و جوی
که در وی بده بود و بستان نبود

چو فردوسی آمد درین بوستان
مرا نیز اندیشه شد ره نمای
ز مشک سیاه و حریر سپید
بدین نامه آراستم خامه را
سپاس از نگارنده خوب و زشت
به پای آمد این نامه نامدار
چو بر سال هشتصد بیفزود سی
مَر این نامه را خاوران نامه نام

.....

نمیرد دل پاک این حسام
اگر طوسی از شاهنامه سُخُن
سخن در بلندی به جایی رساند
ولی نامه من به نام علی است

.....

من آن یوسفم کز عزیزان دور
همه سال و مه روی در گوشه ای
به یک قرص جو تا شب از بامگاه
شکم چون به یک نان توان کرد سیر
کرم گویی اندر قهستان نبود
دلا با که داری تواین گفت و گوی

پس از ابیات فوق در انتهای صفحه آخر داخل یک قطعه تذهیب مربع مستطیل وسط ترنج اسلیمی با سفیداب نوشته شده:

«کَتَبَ خَدْمَةُ الشَّرِيفَةِ المَوْلُویهِ فِی سَنَةِ اربع و خمسين و ثمانمائه»

و اوراق کتاب با جلد سوخت ساده جدول دار از تیماج مشکی مایل به قهوه ای پوشیده شده است.

این نسخه در ابتدا یعنی پیش از متلاشی شدن دارای ۱۵۵ قطعه نقاشی بوده ولی اکنون تعداد نقاشیهای باقی مانده آن فقط به ۱۱۵ قطعه می رسد که ۹۷ قطعه آن در آغاز تشکیل موزه توأم با متن کتاب خریداری شده و ۱۸ قطعه دیگر به کوشش نویسنده این گفتار که سابقاً سمت مدیریت موزه مزبور را داشت توسط آقای خلیل رحیمی برادر مرحوم عبدالله رحیمی در آمریکا از مجموعه داران خصوصی خریداری و به ایران عودت داده شده، به نسخه منضم گشته است. ولی هنوز ۴۰ قطعه دیگر از این مینیاتورها در دست کتابخانه‌ها و مؤسسات و مجموعه داران اروپایی و امریکایی به شرح زیر باقی است:

۱- کتابخانه چستر بیٹی: (Chester Beatty) در دوبلین Dublin (۷ قطعه)

۲- مجموعه‌ی خانم و آقای دکتر: Maurice Schlman در Boston

۳- مؤسسه‌ی اولسن (Olsen) در Bridgeport

۴- مجموعه‌ی آقای : Edwin Binney در Brookline

۵- موزه‌ی هنرها و مجموعه خصوصی در Cambridge

۶- مجموعه‌ی خانم و آقای دکتر: William P. Wood در Haverford

۷- مجموعه‌ی خانم و آقای دکتر: Leland C. Wyman در New York

۸- مجموعه‌ی خانم و آقای دکتر: Michael D Doe و مجموعه خانم و آقای دکتر W.Kelly Simpsons در New Haven

۹- مجموعه‌ی خانم و آقای Moses Alers در Salem

چون تاریخ کتابت نسخه و مینیاتورهای فوق همزمان با سلطنت ترکمانان آق قویونلو و قره قویونلو در ایرانست و دارای شیوه معین و مشخصی است از این رو متخصصان اروپایی، سبک نقاشی آن را «سبک ترکمان» نامیده‌اند. لیک در مورد محل نشأت و مرکز پیدایش این سبک همه آنان همدستان نیستند. گروهی همچون «بلوشه» Bloshet «و» «کونل» Kuhnel «و» آنرا منسوب به هرات، و گروهی همچون «شولز» Schulz «و» «بینیون» Binyon «و» «ویلکین سن» Wilkinson «و» «گری» Gray «منسوب به غرب ایران و کسانی هم «شرودر» Schroeder «منسوب به تبریز می‌دانند، ولی «رابین سن» نویسنده قهرست نقاشی های ایرانی در کتابخانه «بادلیان» اکسفورد معتقدست که یافتن محل قطعی نشو و

نمای این شیوه غیر ممکن است ولی علی‌الظاهر باید از شمال یا شمال غربی ایران باشد و حتی ممکن است از شیوه نسبتاً ساده ای بعضی از نقاشی های زمان شاهرخ اخذ و اقتباس شده است

آنچه در پیرامون نام و عنوان این شیوه باید بگوییم این است که این گونه نامگذاری بر روی آثار و مکتبهای هنری ایران، چندان صحیح به نظر نمی رسد، مثلاً «شیوه مغولی» که همواره از طرف محققان و تاریخ هنر نویسان، در نقاشیهای ایرانی عنوان می شود یک نام جعلی و نادرستی بیش نیست زیرا ما می دانیم که نه مغولها پیش از تاختن به ایران، سابقه‌ی در نقاشی داشته اند و نه دارای شیوه و سبک معینی بوده اند که آنرا در نقاشی ایران نفوذ دهند و نه نقاشان ماهری داشتند که مبتکر شیوه نوی در نقاشی گردند، بنابراین « شیوه مغولی» تنها یک اصطلاح ساختگی و بدعتی است که از طرف هنر شناسان اروپایی در تاریخ نقاشی ایران گذاشته شده است و از این قبیل است «شیوه ترکمان» «که برای نقاشی‌های سده هشتم و نهم ایران جعل کرده اند

زیرا ترکمانان نیز مانند مغول جز اینکه در این سرزمین چند سالی فرمانروایی کرده و بعضی از پادشاهان نیز مشوق هنرمندان و نقاشان بوده اند، کاری در زمینه نقاشی انجام نداده اند که مستلزم آن باشد که نام آنان بر روی شیوه های هنری ایران گذاشته شود، همه این سبکها و شیوه های مختلف در نقاشی و هنرهای دیگر، ادامه هنرهای قدیم و پدید آورده‌ی خود ایرانیان است که بر اثر مرور زمان و نفوذ شیوه های گوناگون از کشورهای همسایه مانند بیزانس و چین و هند و غیره، و ابداع و تفنن های استادان کار، تحولات و تغییراتی یافته به صورتهای مختلف جلوه‌گر گشته است مثلاً برخی از سبکها در مراکز هنری و شهرهای بزرگ و دربارهای پادشاهان مختلف و ثروتمند پدید آمده در دست نقاشان ماهر پخته شده، ترقی کرده است و برخی شیوه های فرعی در ولایات و شهرهای کوچک و دستگاههای حکام و امرا بوجود آمده، خصوصیات محلی خود را حفظ کرده است و به همین علت است که گاهی در یک زمان چندین شیوه‌ی مختلف به چشم می خورد. گاهی نیز ظهور یک نابغه ی هنری و تغییر یافتن راه و رسم موجود، باعث می گردد که شیوه‌ی جدیدی بوجود آمده، از طرف هنرمندان دیگر تبعیت شده، عمومیت یابد منظومه‌ی حماسه این حسام بیشتر به نام «خاور نامه» معروف است ولی خود شاعر آن را «خاوران نامه» نامیده و گفته است :

مراين نامه را «خاوران نامه» نام نهادم که اين شد تمام(۱)

آنچه پیداست نسخه های خطی خاوران نامه، چندان زیاد نیست یک نسخه مصور از آن که به تاریخ ۱۰۹۷ هـ.ق. کتابت شده در موزه بریتانیا تحت شماره Add. ۱۹/۷۶۶ محفوظست که به خط نستعلیق درشت نوشته شده و دارای ۳۶۲ ورق مجذول و ۱۵۶ قطعه مینیاتور به شیوه هندیست. کاتب نام خود را «مولچند ملتانی» نوشته و نام کمال الدین خان نیز در آن دیده می شود که گویا نام صاحب اصلی نسخه بوده است و از توافق تعداد مجالس نقاشی شده می توان احتمال داد که از روی نسخه موزه هنر های تزینی نوشته و مصور شده است. نسخه مصور دیگری نیز از خاوران نامه در کتابخانه کلکته در هند نگهداری می شود که متأسفانه از خصوصیات نسخه آن اطلاع کافی در دست نداریم.

ولی مهمترین نسخه از این شیوه، همین خاوران نامه موزه هنرهای تزینی تهرانست که به علت کثرت مجالس و نقاشیها و تنوع آنها مرجع قابل توجهی برای مطالعه خصوصیات این شیوه است. بر اثر ممارست و دقتی که نویسنده این گفتار، در چگونگی یکایک نقاشیهای این نسخه به عمل آورده است، چنین گمان می برد که در مصور ساختن صفحات این کتاب، سه نفر نقاش یا بهتر گوییم یک استاد و دو شاگرد دست داشته اند و این موضوع کاملاً از مقایسه جزئیات صورتها و طرز قلمزنیها و رنگ آمیزیها و صحنه سازیها و ترکیب بندیها، محسوس و هویدا است. در چند قطعه از نقاشیها نیز در گوشه های پایین رقم بسیار ریز و کمرنگی بشکل «کمترین بندگان فرهاد ۸۸۱» و «۸۹۲» نیز دیده می شود که برخلاف پاره ای سوءظن های اظهار شده، می توان آنها را درست و دست نخورده دانست، و در فاصله صد سال، بین جنید بغدادی (حدود ۷۹۹ هـ.ق.) و بهزاد (حدود ۸۹۴ هـ.ق.) این تنها مورد و نسخه ای است که دارای رقم نقاش است.

«فرهاد» نقاش معروفی نیست و نویسنده تا آنجا که میسر بود برای شناختن این هنرمند و یافتن نشانی از او به مدارک گوناگون مراجعه کرد ولی هر چه بیشتر جست کمر یافت. با این همه شکی نیست که از نظر هنری در عصر و شهر خود دارای لیاقت قابل توجهی بود و برای اثبات همین لیاقت فوق العاده خود بوده است که جرأت به خرج داده بعضی از اثرهای خود را رقم زده است.

از مقایسه قطعات نقاشی کتاب چنین دانسته می شود که «فرهاد» به دو نفر دیگر که در مصور ساختن کتاب شرکت داشتند، سمت استادی داشته و در کار خود به نسبت آنها مهارت کافی اندوخته بوده است و در بعضی از قطعات نقاشی نیز، طراحی یا به قول نقاشان ایرانی «هیولا» از او و رنگ آمیزی و ساختن جزئیات از شاگرد آن است و همچنین در نقاشی بعضی از قطعات، یک

نوع بی دقتی و سهل انگاری دیده می‌شود که باعث تعجب بیننده می‌گردد و چنین می‌نماید که نقاشان گاهی در ساختن و رنگ آمیزی بعضی مجالس حتی از شاگردان تازه کار خود نیز کمک گرفته‌اند

چنانکه گذشت از «فرهاد»، نام و نشانی در جای دیگر نیست و در کتابهای ایرانی مربوط به هنرمندان و نقاشان نیز ذکری از او به میان نیاورده‌اند، با این همه نویسنده گمان میبرد که بعضی یا همه نقاشی‌های نسخه شاهنامه ای که در موزه بریتانیا تحت شماره «Add. ۱۸ و ۱۸۸» محفوظ و از نظر تاریخ کتابت (۸۹۱ هـ. ق.) کاملاً همزمان با نسخه مورد بحث ماست، اثر این استاد است ولی جای تعجب است که با همه هم شیوگی و هم‌زمانی و قرابت طرز کار و نوع قلم‌زنی، و حتی تطابق جزئیات نقوش مجالس این شاهنامه با خاوران نامه، چگونه هیچ یک از متخصصان فن سربازیل‌گری هم که سمت موزه‌داری قسمت شرقی موزه بریتانیا را دارد و شاهنامه در اختیار و در دسترس اوست، در بحث راجع به این شیوه حتی به عنان نمونه و مقایسه هم یادی از این نسخه نکرده و ملتفت این قرابت محسوس نگردیده‌اند

شاهنامه مزبور بنا به نوشته ریو در فهرست کتب خطی موزه ی بریتانیا، دارای ۵۰۰ برگ به قطع 13 3/4 در ۹ و ۱/۲ اینچ است که در هر صفحه ۲۵ سطر در چهار ستون مذهب به قلم نستعلیق متوسط نوشته شده و دارای سرلوحه‌های طلایی و عنوانهای پرکار است و تاریخ کتابت آن جمادی‌الثانی ۸۹۱ هـ. ق. قید شده است. نسخه حاوی ۷۲ قطعه مینیاتور متوسط به شیوه ایرانی است که در حدود نصف صفحه جا گرفته و نام کاتب غیاث الدین بن بایزید صراف ذکر شده است نویسنده این گفتار بر خلاف سربازیل‌گری و دیگران که نقاشی‌های خاوران نامه‌ای مورد بحث را از هنرمندان شیراز و در شیوه ترکمان می‌دادند، بنابر چند دلیل، که متأسفانه هنر شناسان فوق توجهی به آنها نکرده‌اند، آن را اثر هنرمندان هرات و به شیوه نقاشی‌های اواخر سلطنت شاهرخ کورکانی می‌دادند

دلیل اول آنکه: از نظر موضوع کتاب، مسلم‌آدر قرن نهم این نسخه در محلی نوشته و مصور شده که در آنجا توجه خاصی به مناقب علی بن ابیطالب و معجزات و خوارق عادات وی، وجود داشته و یا به عبارت دیگر یک نوع تشیع بلا رخص پیش از صفویه در میان مردم آن نواحی شیوع داشته است و این محل بنابه اطلاعات تاریخی که در دست داریم، شهر شیراز که مردم آن در این زمان، در تسنن تعصب خاصی داشته‌اند نمی‌تواند باشد - دوم آنکه، بنابه تصریح عبارت آخر کتاب، این نسخه برای کتابخانه یکی از خانقاه‌های فرقه‌ای مولویه نوشته شده که در این قرن، مراکز مهم آن در حدود شمال خراسان و حوالی قونیه بوده است و این شعبه از مسلک تصوف، هیچگاه در جنوب ایران و فارس پیروانی نداشته است.

بنابراین این نسخه یا باید در مراکز مولویان ترکیه عثمانی نوشته و نقاشی شده باشد و یا در شهرهای خراسان و حوالی هرات، چون هیچ شباهتی از حیث خط و ربط و تذهیب و نقاشی به کتب و مینیاتورهای عثمانی ندارد، پس باید از خراسان و هرات باشد دلیل سوم خصوصیات خود نقاشیها و مجالس است که با کتابهای نوشته شده در هرات و خراسان بیشتر شباهت دارد تا نواحی دیگر. چنانکه نقاشیهای نسخه معادل بر شبیه آن یعنی شاهنامه موزه بریتانیا که شرح خصوصیات آن گذشت، در مقاله پروفیسور کونل در کتاب *Survey of Persian Art* از مکتب هرات دانسته شده که البته صحیح است، بنابراین اگر ما محل کتابت و مصور کردن شاهنامه مزبور را به دست آوریم، خود به خود محل کتابت و نقاشی خاوران نامه نیز دانسته خواهد شد در پایان مقاله، برای مقایسه و سنجش نقاشیهای این دو نسخه، دو مجلس از شاهنامه و دو مجلس از خاوران نامه را در برابر هم قرار می دهیم تا دانسته شود که ادعای نویسنده این گفتار، تا چه اندازه صحت دارد و به چه مناسبت و علت، نقاشی های این شاهنامه را نیز از «فرهاد» نقاش مذکور می داند.

پی نوشت:

- در نسخه های دیگر «نهادم بر آنگه که کردم تمام» آمده است . فاضل ارجمند آقای دکتر محمد جعفر محبوب که در زمینه داستانها و افسانه های شرقی ایرانی مطالعات و تبحر کافی دارند در این مورد معتقدند که «خاور نامه» نام متن منشور و «خاوران نامه» نام متن منظوم آنست



آمدن حضرت علی پیش شاه خاوران برای خلاصی قنبر. جزئیات مجلس سازی این تصویر با

تصویر ملامت کردن هرمز. از شاهنامه موزه بریتانیا قابل مقایسه است



حضرت علی در مهمانی سفیان خاوران نامه ۲۰/۵*۱۸ سانتیمتر



ملامت کردن هرمز فرزند خود را - شاهنامه موزه بریتانیا



عمرو امیه کافران را به دریا می ریزد. خاوران نامه، موزه متروپولیتین نیویورک - ۱۶/۸*۲۷/۵

سانتیمتر



کیخسرو سوار بر کشتی در تعقیب افراسیاب . شاهنامه موزه بریتانیا (۸۹۱ هـ . ق.) جزئیات این مینیاتور با تصویر عمرو امیه از خاوران نامه که در موزه متروپولیتین محفوظ است به خصوص از نظر بادبان و کشتی بان و صورتها قابل مقایسه می باشد



حضرت علی سوار بر دلدل در حال جنگ خاوران نامه



حضرت علی سوار بر دلدل در حال جنگ. خاوران نامه. این تصویر و تصویر بعد توسط دو نفر دیگر از

نقاشان گرفته شده است



حضرت علی سوار بر اسب ابلق خاوران نامه - درگوشه نقاشی رقم کمترین بندگان فرهاد ۸۹۲ دیده می شود



در آمدن علی به داخل چاه و شکستن می خاوران نامه. این مینیاتور رقم «فرهاد» دارد - ۲۰/۵×۱۶ سانتیمتر



پا بوسی ابوالمحجن - خاوران نامه - ۲۰/۵×۱۶ سانتیمتر



صفحه آخر خاوران نامه - موزه هنرهای تزئینی



کشتن امیرالمؤمنین علی علیه السلام اژدها را - خاوران نامه - ۲۰/۵*۱۶/۵ سانتیمتر



کشتن دلدل شیر را . خاوران نامه - ۲۰/۵*۱۶/۵ سانتیمتر

قطعه‌ای از نقاشی های اوایل خاوران نامه - ۲۰/۵*۱۹/۵ سانتیمتر



علی و یارانش در مسجد. خاوران نامه - موزه هنرهای تزئینی ۲۰/۵×۱۷ سانتی متر



صفحه اول خاوران نامه - موزه هنرهای تزئینی

